

متن پرسش

در سؤال قبلی این مثال را مطرح کردم که: «انسان در اثر علم حضوری به خداوند، از گناهانش خجالت کشیده توبه می‌کند.»، و شما در پاسخ فرمودید که: «همین‌که توانست به آن محبت فطری نظر کند و محبت به حضرت حق در او پرتو بیفشاند، دیگر از معصیت بدش می‌آید.» اولاً آیا می‌توان نتیجه گرفت که: «پس در مورد علم حضوری به خداوند، نه تنها علم حصولی به این علم حضوری منشأ تصمیم‌گیری و عمل می‌شود، بلکه حتی خود این علم حضوری هم منشأ تصمیم‌گیری و عمل می‌شود.»؟ ثانیاً آیا می‌توان نتیجه گرفت که: «پس علم حضوری به خداوند، جزء مبادی عملی است.»؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم حرف درستی است. موفق باشید